



Iran's criminal policy approach and international instruments in extraditing apostate offenders

Amirollah Dadi¹, Iraj Golduzian², Davood Karami³

Abstract

Field and Aims: The right to freedom of religious belief is one of the recognized human rights endorsed by Islamic jurisprudence, the Iranian constitution and international documents. However, the departure of a Muslim from Islam and his entry into infidelity has been identified in the form of apostasy, and punishment has been prescribed for it in the Shari'a. Accordingly, we seek to answer the questions that, first of all, the existence of punishment for apostasy is not in conflict with the right to freedom of religious belief? Also, what is the approach of the Iranian penal system and international documents to this issue of apostasy?

Methodology: This article is written in an analytical-descriptive manner.

Findings and Conclusion: In reading Islamic texts, restrict verses, narrations, and verses, and dispel doubts and arguments. Also, verses that specify the principle of freedom of belief, all of them in a position to accept the principle of religion. But after accepting Islam, he is deprived of the right to return along with promotion, propaganda and conspiracy.

Considering that apostasy is defined in international documents, especially the 1951 Refugee Convention and the European Convention on Human Rights, in the category of political crimes, which is an exception to the extradition of criminals, so it is not possible to extradite convicts to apostasy. In Iran's criminal policy, there is a possibility of being sentenced to the most severe punishment for apostasy. Also, Iran's political crime law confirms the non-extradition of a political offender, but is silent about apostasy and does not say how it is carried out.

Keywords: right to freedom of religion, apostasy, extradition of criminals, criminal law

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

2 .Professor, University of Tehran, Tehran, Iran. Responsible author igoldoz @ ut.ac.ir

3 . Assistant Professor of Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.



رویکرد سیاست کیفری ایران و اسناد بین‌المللی در استرداد مجرمان ارتداد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۳

نوع مقاله: پژوهشی

امیر اله دادی^۱

ایرج گلدوزیان^۲

داود کرمی^۳

چکیده

زمینه و هدف: حق آزادی عقیده دینی به عنوان یکی از حقوق شناخته شده بشری مورد تأیید فقه اسلامی، قانون اساسی ایران و اسناد بین‌المللی می‌باشد. با این حال خارج شدن فرد مسلمان از اسلام و ورود او به کفر در قالب ارتداد شناسایی شده است و برای آن در شرع مجازات تعیین شده است. بر این اساس به دنبال پاسخ به این سوال‌ها هستیم که اولاً وجود مجازات برای ارتداد، در تضاد حق آزادی عقیده دینی نمی‌باشد؟ همچنین رویکرد نظام کیفری ایران و اسناد بین‌المللی به این موضوع ارتداد چیست؟ به علاوه رویکرد دولتها در خصوص استرداد محکومان به ارتداد چیست؟
روش تحقیق: این مقاله به شیوه تحلیلی - توصیفی نگارش یافته است.

یافته‌ها: در بازخوانی متون اسلامی اعم از آیات و روایات و متون، چیزی که آزادی عقیده را مورد تهدید قرار داده یا محدود کند و یا انسان شکاک و مردود را مورد تحقیر یا تهدید قرار دهد قابل استنباط نیست همچنین آیاتی که بر اصل آزادی عقیده تصریح دارند، همه آنها در مقام پذیرش اصل دین است، اما پس از پذیرش اسلام، حق برگشت همراه با ترویج و تبلیغ و توطئه از او سلب می‌شود. **نتیجه‌گیری:** با توجه به اینکه ارتداد در اسناد بین‌المللی خصوصاً کنوانسیون پناهندگی ۱۹۵۱ و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در دسته جرائم سیاسی تعریف می‌گردد که استثنایی بر استرداد مجرمان می‌باشد، لذا امکان استرداد محکومان به ارتداد وجود ندارد. در سیاست کیفری ایران، امکان محکومیت به شدیدترین کیفر به اتهام ارتداد وجود دارد همچنین قانون جرم سیاسی ایران نیز عدم استرداد مجرم سیاسی را تأیید کرده ولی در خصوص ارتداد سکوت کرده و در نحوه و چگونگی اجرای آن نیز سخنی به میان نیاورده است.

واژگان کلیدی: حق آزادی عقیده دینی، ارتداد، استرداد مجرمان، حقوق کیفری

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۲. استاد دانشگاه تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول igoldoz@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

مقدمه

حق آزادی دین و عقیده از بنیادی‌ترین حقوق بشر است و حتی می‌توان گفت ایده کلی حقوق بشر در تاریخچه حمایت از اقلیت‌های دینی قرار دارد. این حق که در اولین قوانین حقوق بشری داخلی همچون اعلامیه فرانسوی حقوق بشر و شهروند و اولین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا منعکس شده است از ابتدای نهضت جهانی حقوق بشر نیز مورد توجه بوده و در مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها بر آن تأکید شده است.

با وجود این، نمی‌توان انکار کرد که هنوز در مورد بعضی از اجزا و جنبه‌های حق آزادی دین و عقیده و به ویژه درباره حق تبلیغ دین، حق تغییر دین و محدوده حق آزادی دین اختلاف نظر^۱ وجود دارد. (سودمندی و شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۱، ۷۷)

از نظر فقهی تبدیل ایمان به کفر مطلقاً امر مذموم، ناپسند و مردودی است. تبدیل ایمان به کفر دو گونه می‌تواند باشد: اول به واسطه مباحث نظری، علمی، تحقیقی ولو به غلط فرد به انکار خدا و آخرت و نفی اسلام یا شک در حقانیت اسلام برسد (ارتداد نظری و علمی). دوم به واسطه شهوت عملی، انحراف سیاسی، تسویلات شیطانی و دنیاپرستی در عین شناخت حق آن را زیر پا بگذارند و تغییر دین بدهد، یعنی ارتداد به واسطه منافع مادی باشد نه به دلیل شبهات علمی (ارتداد عملی و سیاسی).

ارتداد در شریعت اسلام جرم‌انگاری گردیده و برای آن مجازات تعیین شده است. جرم‌انگاری در شریعت اسلامی برای حمایت از مبانی اساسی است که حیات جامعه بر آن استوار است و حفظ این مبانی در کنار رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و توجه به عدالت، قسط، برابری و آزادی مورد توجه است. بر این مبنا دولت‌ها نیز در سیاست کیفری خود، طریقی را اتخاذ کرده‌اند که در جهت تأمین منافع ملی و صیانت از امنیت ملی است؛ این شیوه از یک طرف، در مقام تحدید حقوق بشر و تهدید آزادی‌های فردی

۱. البته علیرغم تداوم اختلاف نظری در موضوعات فوق، می‌توان گفت که اسناد بین‌المللی، تعریف شفاف و جامع و مانعی از حق آزادی دین ارائه داده‌اند و موارد احتمالی ابهام این اسناد نیز توسط آرای نهادهای قضایی و نظارتی بین‌المللی رفع ابهام شده است.



برآمده و از سویی دیگر، با تقویت ظرفیت‌های نظامی، پلیسی و قضایی نگاه مجازات‌گونه به آن داشته‌اند.

البته حق اندیشیدن، اعتقاد و ایمان داشتن، ابراز دین و عقیده، بیان اعتقادات، انجام مناسک و اعمال مذهبی، تعلیم امور دینی به کودکان و متدینان، دعوت، تبلیغ و ترویج تعالیم دینی در جامعه، تاسیس معبد، ترک ایمان و خروج از دین (ارتداد)، ترک اعمال دینی و نقد تعالیم دینی، مادامی که عمل دینی او باعث سلب حقوق و آزادی‌های دیگران و اخلال در نظم و اخلاق عمومی نباشد آزادی مذهبی محسوب و مورد تکریم و تأکید اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز می‌باشد. لذا در این پژوهش به دنبال بررسی این امر هستیم که آیا وجود مجازات برای ارتداد، در تضاد حق آزادی عقیده دینی نمی‌باشد؟ همچنین رویکرد نظام کیفری ایران و اسناد بین‌المللی به این موضوع ارتداد چیست؟ روش تحقیق استفاده شده در این مقاله، روش تحلیلی-توصیفی است و منابع مورد استفاده عبارتند از: جمع آوری داده‌ها، استفاده از کتب، اسناد بین‌المللی، مقالات و همچنین از فیش برداری بعنوان ابزار مطالعه استفاده شده است.

۱- پیشینه تحقیق

پیش از آنکه رویکرد سیاست کیفری ایران و همچنین اسناد بین‌المللی در خصوص ارتداد مورد مطالعه قرار دهیم لازم است تا مفهوم دو واژه ارتداد و استرداد مجرمان مطالبی ارائه نماییم تا ماهیت آن بهتر تبیین گردد و زمینه برای ورود به بحث بهتر فراهم شود.

۱-۱- ارتداد

ارتداد، واژه‌های عربی، مصدر ثلاثی مزید باب افتعال از ریشه «رذذ» است. در لغت به معنی بازگشت، بازگرداندن و رجوع آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۳۸۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۶، ۱۸۵؛ جوهری، ۱۴۰۴، ۴۷۳). در برگزیده معنی طلب و خواستن است، یعنی در مورد شخصی که مایل به رجوع و بازگشت است به کار می‌رود.

در اصطلاح خارج شدن فرد مسلمان از اسلام و ورود به کفر است و مرتد کسی است که به آیین اسلام بعد از پذیرش، پشت کرده با گفتار یا عمل کفرآمیز، دین و آیین دیگری را پذیرفته



باشد (محقق حلی، ۱۳۸۹، ۱۸۳؛ امام خمینی، ۱۴۰۴، ۳۹۲؛ ابن قدامه، بی‌تا: ۷۴؛ الجندی، ۱۴۱۶، ۲۵۱؛ الرافعی القزوینی، ۱۴۱۷، ۹۸).

راغب اصفهانی در اثر نفیس فرهنگ قرآنی خود المفردات فی غریب القرآن می‌نویسد: «الارتداد و الردة الرجوع فی الطریق الذی جاء منه لكن الردة تختص بالكفر و الارتداد يستعمل فیہ و فی غیره...» ارتداد و ردة به معنی برگشتن در همان راهی است که از آن راه آمده است، اما ردة مختص به بازگشت به کفر است. اما ارتداد هم در بازگشت از دین به کفر به کار می‌رود و هم در غیر از دین مثلا، بازگشت به سنت‌ها و حالات اولیه و... در اصطلاح، به معنای بازگشت از اسلام به کفر می‌باشد، حقیقت ارتداد کفر پس از ایمان است، بنا بر این فقها نیز در اصطلاح خود همان معنای لغوی را برای ارتداد در نظر گرفته‌اند. (اصفهانی، ۱۴۱۶، ۸۱) از نظر فقهای امامیه دو نوع مرتد وجود دارد: فطری و ملی. اگر مسلمان زاده‌ای از دین خود روگردان شده، کفر ورزد، از نوع نخست به شمار می‌آید و اگر کافری پس از گرویدن به اسلام به کفر بازگردد، به عنوان مرتد ملی شناخته می‌شود. این تقسیم بندی نزد فقهای شیعه از آنجاست که بین دو نوع مرتد از نظر مجازات تفاوت قائل شده‌اند، اما فقهای اهل سنت برای هر دو مجازات یکسانی مطرح کرده‌اند. (جوادی، ۱۹۷۸، ۸۱)

۱-۲- استرداد مجرمان

«استرداد» واژه‌ای عربی، بر وزن استفعال، از ریشه «رد» به معنای «طلب بازگرداندن» است. «استرداد، مصدر است به معنای رد کردن خواستن، داده را واپس خواستن، بازپس خواستن، بازستاندن، واپس گرفتن، پس گرفتن» (عمید، ۱۳۶۲، ۱۴۰) استرداد مجرمان در اصطلاح عبارت است از «بازپس گرفتن مجرم که از کشوری به کشور دیگر گریخته، به وسیله دولت تقاضاکننده، از دولتی که مجرم به آن جا گریخته است. این عمل مسبوق به توافق و قرارداد دو دولت است. (عباسی، ۱۳۷۳، ۱۸) طبق قوانین بین‌الملل، استرداد یک فرایند رسمی و دیپلماتیک است که طی آن یک کشور از دیگری درخواست می‌کند تا اقدام به بازگشت مجرم فراری نماید که توسط قانون کشور درخواست کننده به ارتکاب جرم و تحمل مجازات محکوم شده است. (Sagar & Sharma, 2019, 2)



افراد قابل استرداد شامل کسانی هستند که به جرمی متهم شده‌اند اما هنوز محاکمه نشده‌اند، کسانی که محاکمه و محکوم شده‌اند و از زندان فرار کرده‌اند و همچنین کسانی که بصورت غیابی محاکمه و محکوم شده‌اند. طبق اصل سرزمینی بودن قانون کیفری، کشورها اثر قوانین جزایی خود را به خارج از مرزهای خود تسری نمی‌دهند، مگر در حمایت از منافع خاص ملی. با این حال، در کمک به سرکوب جرم و مقابله با بی کیفر مانی، دولت‌ها عموماً مایل به همکاری در استرداد یا محاکمه فراریان بوده‌اند. (Andreopoulos, 2018, 3)

بر این اساس استرداد مجرمین فرایندی است که مستلزم تعاون قضایی بین المللی بوده و اجرای موفق آن می‌تواند ضامن عدالت قضایی و جلوگیری از بی کیفری و فرار مجرمان و متهمان احتمالی به کشورهای دور از محل وقوع جرم گردد. در دو قرن اخیر در سطح جهانی بسیاری از کشورها در حوزه استرداد مجرمین قوانین داخلی مبسوطی وضع کرده و به بسیاری از قراردادهای و کنوانسیون‌های بین المللی در این عرصه پیوسته‌اند. (دل افروز و لطفی، ۱۳۹۷، ۱۰۹)

رویه‌های استرداد به طور معمول از طریق انعقاد توافقات متقابل بین کشورها یا معاهدات چند جانبه میان گروهی از کشورها اعمال می‌شود. در بیشتر حوزه‌های قضایی، استرداد مجرمان تنها در صورتی مجاز است که جرم ادعایی در قانون کشور خواست کننده جرم‌انگاری شده باشد. همچنین اکثر کشورها دارای «استثنای جرم سیاسی» در خصوص استرداد مجرمان هستند که در ادامه بحث بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

۲- ادبیات تحقیق

در خصوص ارتداد پژوهش‌های مختلفی انجام گرفته که عمدتاً به رویکرد فقهی بوده و بطور محدود با رویکرد حقوق بین‌الملل هم پژوهش‌هایی صورت گرفته که به مطالعه برخی از آنها می‌پردازیم تا به تبیین بهتر موضوع کمک نماید.

۱-۲- کریمی نیا، محمدمهدی (۱۳۸۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «حقوق بشر در ارتباط با «استرداد مجرمان» و «پناهندگان سیاسی» به این موضوع پرداخته است که یکی از مسائل مهم برای دولت‌ها کاهش جرم است. در این میان، جرم‌هایی که امنیت یک کشور را به



مخاطره می اندازند از اهمیت بیش تری برخوردارند. در گذشته، جرم بیش تر در چارچوب یک کشور و سرزمین بود، اما با گذشت زمان و پیشرفت علوم و فنون و پیشرفت وسایط نقلیه، جرم از مرزهای سیاسی یک کشور فراتر رفته است. در این میان، سیاستمداران با استمداد از مباحث حقوقی، مسأله «استرداد مجرمان» را وضع نمودند که بر اساس آن، دو یا چند کشور متعهد می شوند که در صورت فرار مجرم، او را به کشور خود بازگردانده و به مجازات برسانند. در مقابل، مسأله مهمی که در ارتباط با حقوق بشر مطرح است، «پناهندگی سیاسی» است که کشورها از دو جهت با آن روبه رو هستند: یکی، از جهت پناهنده شدن افراد بیگانه به کشور خود و درخواست «پناهندگی سیاسی» و دیگری، از جهت پناهنده شدن افرادی از این کشور به کشور دیگر. در این جا، از یک سو، این کشور به استناد قرارداد «استرداد مجرمان» درخواست ارجاع آن شخص را می کند. از سوی دیگر، کشور مقابل به استناد «پناهندگی سیاسی» و لزوم امنیت برای شخص پناهنده، از ارجاع وی امتناع می ورزد.

۲-۲- محمدی، صفدر، علیپور، سلمان، کریمی، معصومه (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جرم‌انگاری ارتداد در حقوق ایران و بین‌الملل» به این موضوع پرداخته است که ارتداد به معنای عدول از دین اسلام و ورود به کفر است. با انکار یکی از ضروریات دین (خدا، نبوت، معاد) محقق می‌شود. بر دو قسم فطری و ملی است. مجازات آن در فقه اعدام است. در قانون به ماده‌ای بر نمی‌خوریم که صراحتاً ارتداد را جرم‌انگاری کرده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی و اصل ۱۶۷ قانون اساسی به جرم‌انگاری و مجازات مرتدان بپردازد. عنصر مادی آن اظهار موجبات ارتداد و سوءنیت عام آن عمد و قصد مرتکب در انکار ضروریات دین سوءنیت خاص آن علم و آگاهی به ارتداد و مرتد شدن فرد با انکار ضروریات دین است. حقوق بین‌المللی آن را ناقض حقوق بشری دانسته و معتقد است همان گونه که فرد حق انتخاب دین و مذهب را دارد حق تغییر دین و مذهب را نیز باید داشته باشد.

۲-۳- دل افروز، مصطفی، لطفی، فروزان (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «استرداد مجرمین در نظامهای حقوقی ایران و کانادا و حقوق بین‌الملل» به این موضوع پرداخته است که در دو قرن اخیر در سطح جهانی بسیاری از کشورها در حوزه استرداد مجرمین قوانین داخلی مبسوطی وضع کرده و به بسیاری از قراردادهای کنوانسیون‌های بین‌المللی در این عرصه پیوسته‌اند.



رشد و گسترش مفهوم حقوق بشر بطور اجتناب ناپذیری منجر به افزایش همکاری‌های بین‌المللی در مسائل جنایی شده است که مشهورترین شکل آن استرداد می‌باشد، که قرن‌ها تحت سلطه ملاحظات و نگرانی‌هایی بود که ریشه عمیقی در منافع دولت مانند حق حاکمیت، حفظ قدرت و نظم داخلی، حفظ اتحاد سیاسی خارجی و غیره داشت. در ایران نیز تاکنون قراردادهای موافقتنامه‌هایی با کشورهای مختلف در خصوص استرداد منعقد شده است. در سال ۱۳۳۹ قانون استرداد وضع شد. موضوع استرداد در ارتباط با فردی است که متهم به ارتکاب جرم است یا به ارتکاب جرمی محکوم شده است. تعدادی از جرایم هم‌غیرقابل استرداد هستند. استرداد یک فرایند ترکیبی می‌باشد؛ نه صرفاً حقوقی است، و نه سیاسی و معمولاً توسط نهادهای قضایی آغاز شده و از طریق کانالهای سیاسی ابلاغ می‌شود.

۲-۴- صادقی، محمدهادی و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «قاعده منع استرداد مجرمان سیاسی در پرتو اجرای قانون جرم سیاسی» به این موضوع پرداخته است که استرداد مجرمان یکی از راه‌های معاضدتی و حل تعارض صلاحیت بین دولت‌ها بوده که دول با رضایت خود، به انجام آن اقدام می‌کنند. البته، مفهوم حقوق استرداد در خصوص برخی از مجرمان همچون مجرم سیاسی، از طریق عدم استرداد شخص محقق می‌شود. مبنای عدم استرداد مجرم سیاسی این است که در وضعیت‌های مربوط به منع استرداد برای افعال مجرمانه سیاسی، هیچ‌گونه منفعت مشترکی بین دولت‌ها برای محاکمه این مرتکبان وجود نداشته و تعقیب کیفری، حقوق بنیادین بشری آن‌ها را نقض می‌کند. حال چنانچه کشوری استرداد تبعه خود را به اتهام «جرم سیاسی» از کشور دیگر درخواست کند، با توجه به تفاوت در مفهوم و مصادیق جرم سیاسی بین دولت‌ها، استرداد مجرمان سیاسی چگونه محقق خواهد شد؟ هر چند که سه روش اداری، قضایی، نیمه قضایی و نیمه اداری مطرح شده اما هر کدام دارای معایب و مزایایی هستند. در ایران قانون جرم سیاسی نیز عدم استرداد مجرم سیاسی را تأیید کرده ولی در خصوص نحوه و چگونگی اجرای آن سخنی به میان نیاورده است. در نهایت، با توجه به وضعیت خاص حاکم بر جرائم سیاسی در بحث استرداد، نتایج حاکم بر آن‌ها را نیز با پیچیدگی‌های فراوان در اجرا مواجه کرده است که راه برون رفت از آن، تضمین به حفظ حقوق متهم از طریق دادرسی عادلانه خواهد بود.



۳- حق آزادی عقیده دینی در حقوق ایران و اسناد حقوق بشری

آزادی عقیده و مذهب یکی از مهمترین ابعاد آزادی‌های فردی می‌باشد. چه آنکه عقیده سرچشمه تمامی گفتار و اعمال آدمی است. در واقع آزادی بیان یا دیگر آزادی‌ها جملگی منبعت از آزادی عقیده و ظهور بیرونی آن هستند. از این جهت آزادی عقیده را می‌توان مادر تمامی آزادی‌های فردی تلقی نمود. (توسلی نایینی و تقوی نیا، ۱۳۹۵، ۲)

بسیاری از نویسندگان و اندیشمندان درباره آزادی مطلق انسان در خصوص داشتن عقیده و بیان سخن داده‌اند و مخصوصاً در مورد آزادی عقیده بسیار پای فشرده‌اند. جان استوارت میل در رساله مشهور خود «درباره آزادی» می‌گوید: «منطقه مناسب آزادی بشری در درجه اول شامل قلمرو هشیار ضمیر اوست و در این منطقه است که وجدان انسانی به جامع‌ترین معنای آن باید آزاد باشد. آزادی افکار و امیال آزادی مطلق عقاید و احساسات (نسبت به کلیه موضوعات نظری، علمی، اخلاقی یا الهی) ضروری است. (مهرپور، ۱۳۷۰، ۱)

از آنجا که موضوع ارتداد مرتبط با حق آزادی عقیده دینی است لذا بدواً و به منظور شناخت بهتر پیرامون موضوع به بررسی مبناء و ماهیت این حق از منظر فقهی، نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی می‌پردازیم.

۳-۱- حق آزادی عقیده دینی در فقه اسلامی

در بعد فقهی نیز در منابع و اسناد متعددی به موضوع حق آزادی عقیده و به تبع آن آزادی بیان اشاره شده و از جمله می‌توان به قرآن به عنوان مهمترین منبع اشاره نمود که بر این حق انسانی تاکید کرده و بر آن ارج نهاده است.

آیات متعددی در قرآن بر این مطلب تصریح دارند که تحمیل عقیده بر دیگران نامطلوب بوده پذیرش دین امری اختیاری است. در مقابل، آیات فراوانی وجود دارد که به قتال با کافران تا فراگیر شدن دین الهی فرمان می‌دهد. از آیات چنین برداشت شده است که قرآن، کفار و به ویژه مشرکان را بین اسلام و قتل مخیر کرده است. این مطلب، افزون بر آن که در تعارض ظاهری با آیات دسته نخست است، خاستگاه شبهاتی قرآنی و دست مایه اتهام بر مسلمانان مبنی بر توسل به خشونت و تحمیل عقیده شده است. برداشت‌هایی از سایر احکام



فقهی همچون حکم مرتد و برخی روایات نیز بر این گونه شبهات دامن زده است. (ایروانی، ۱۳۹۶، ۳۱)

حق آزادی عقیده در فقه اسلامی ریشه آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» به عنوان یک اصل راهبردی در سرلوحه تعامل نظام مترقی اسلام با پیروان دیگر ادیان دارد. این امر مرتبط به مرحله اندیشیدن، تفکر^۱ و باور اعتقاد، ایمان، خضوع و عقد قلبی است و با الزام و اکراه حاصل نمیشود. بلکه فقط با حجت و برهان شکل می‌گیرد. بنابراین، معنای آیه آن است که امور اعتقادی اساساً قابل اجبار نیستند، نه اینکه اجبار ممکن است، ولی اسلام حکم به اجبار نمی‌کند؛ به عبارت دیگر، بر اساس این آیه در اندیشیدن و باور داشتن، آزادی مطلق وجود دارد و اشخاص را به دلیل داشتن عقیده مخالف، چه در امور دینی و چه در امور سیاسی، مورد تعقیب قرار نمی‌دهد و می‌گوید هر فرد در قبال اندیشه خود، مسئولیت پاسخگویی در پیشگاه الهی را خواهد داشت. (حسینی کارنامی، ۱۳۹۳، ۸۶)

۳-۲- حق آزادی عقیده دینی در نظام حقوقی ایران

در قانون اساسی در اصول متعددی شاهد اشاره به حق آزادی عقیده دینی و به رسمیت شناختن آن هستیم. در اصل ۲۴ قانون اساسی آمده است «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.» همچنین در اصل ۱۷۵ قانون اساسی آمده است «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد. نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند.» همان گونه که ملاحظه می‌گردد این آزادی محدود به

۱. البته نباید، از تفاوت «عقیده» و «فکر»، غافل ماند زیرا «فکر» نمایانگر یک تلاش عقلایی در بشر است که از خصلت «حقیقت‌جویی» در انسان، سرچشمه می‌گیرد، ولی «عقیده» ملازمه‌ای با فکر ندارد و چه بسا بازتابی از آداب و رسوم اجتماعی و یا سنت‌های فرهنگی است که با جان انسان «گره» خورده و گاه حتی «امکان فکر کردن» را هم از انسان سلب می‌کند.



رعایت شرایطی گردیده است و بر این اساس این حق مقید به رعایت موازین اسلامی و عدم اخلال به مبانی اسلام گردیده است.

اصل ۲۳ قانون اساسی نیز با رویکردی سلبی ضمن ممنوع کردن تفتیش عقاید، یک چتر حمایتی برای کسانی که عقیده خاص دارند پهن نموده است. بی شک تجسس در حالات خصوصی مردم و تفتیش درباره اسرار نهانی آنها کاری مذموم و ناپسند است. در اسلام نوعی «امنیت» پیش بینی شده که در هیچ قانونی از قوانین دنیا وجود ندارد، و آن امنیت حیثیت و آبروی افراد حتی در محیط افکار دیگران است و بدیهی است سوء ظن و تجسس و تفتیش از عقاید این سرمایه گرانقدر را به خطر می افکند. قانون اساسی در دو اصل ۲۳ و ۲۵ بدین شرح این امر را بیان نموده که در اصل ۲۳ مقرر می دارد: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد» و در اصل ۲۵ آورده است: «در بازرسی و فرستادن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی یا افشای مخابرات تلگرافی و تلکسی، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون»، به این امر تصریح کرده است. (الواری و صابری، ۱۳۸۷، ۲۹)

البته در خصوص تفتیش عقاید باید گفت که تفتیش عقاید موجودیتی یک سویه نداشت. صرفاً نوعی بازجویی، نوعی دادگاه، یا اتاق شکنجه نبود، هر چند غالباً تمام این عناصر را در خود داشت. تفتیش عقاید، به بیان دقیق تر، عبارت بود از هیات های داوری بسیار مجهز که کلیسای کاتولیک می کوشید از طریق آنها به یکپارچگی اندیشه و عمل دینی دست یابد و آن را حفظ کند. برای این منظور، کلیسا به کارگزاران خود، که ماموران تفتیش عقاید نامیده می شدند، اختیار داد که کسانی را که ممکن بود اعتقادات یا اعمالشان مغایر آموزه های کلیسا باشد بیابند و مردان و زنانی که با چنین اتهامی روبرو می شدند زیر فشار قرار می گرفتند تا مجبور به اعتراف شوند. گاهی این فشار جنبه روانی داشت، اما در بسیاری موارد شکنجه شدید جسمانی بود. برخی از این فشارها جان به در می بردند و آزاد می شدند و برخی زندانی می شدند یا برای اعدام به مقامات کشوری تحویل داده می شدند. (طاهری و همه زاده، ۱۳۹۵، ۲)

آزادی بیان و امنیت در مورد تفتیش عقاید از این جهت است که افراد برای اجرای حق



آزادی عقیده دینی و تحقیق و بررسی به منظور اعتقاد و باور به یک دین نیازمند پرسشگری و آزادی فضا برای بحث و تبادل نظر هستند. اگر این پرسشگری با محدودیت همراه باشد امکان تحقق باور به دین براساس اندیشه و اراده سالم وجود ندارد.

اگر چه در اصل ۱۲ قانون اساسی شاهد اعلان دین رسمی هستیم اما در جهت احترام به سایر عقاید دینی، اصل ۱۳ قانون اساسی ضمن به رسمیت شناختن ادیان مسیحی، زرتشتی، کلیمی و اهل سنت آنان را در انجام مراسم دینی خود آزاد می‌گذارد. این رویکرد مبتنی بر نظر کمیته حقوق بشر^۱ می‌باشد که در تفسیر عمومی شماره ۲۲ خود در سال ۱۹۹۳ به این موضوع اشاره می‌کند که «این حقیقت که یک مذهب به عنوان مذهب رسمی یک کشور انتخاب می‌شود نایستی به این امر منتج گردد که دیگر باورمندان به مذاهب یا ادیان دیگر از ابراز و اعمال عقاید دینی خود باز مانند.»

۳-۳- حق آزادی عقیده دینی در اسناد بین‌المللی

حق آزادی عقیده دینی در اسناد بین‌المللی متعددی مورد توجه قرار گرفته که ریشه در حمایت‌های حقوق بشری دارد. واقعیت آن است که مفهوم حقوق بشر مربوط به رابطه بین فرد و دولت است و این رابطه جایگاه، مدعیات و وظایف فرد در قلمرو اختیارات حکومت را در بر می‌گیرد. باین ترتیب، عمراین موضوع به قدمت سیاست است. (Hung Chao Tai, 1985, 16)

در اعلامیه حقوق بشر شورای اسلامی اروپا - ۱۹۸۱ لندن - در این خصوص آمده است: «هر کس حق دارد فکر کند، عقیده‌ای داشته باشد و آن را بیان کند و تا وقتی که مقررات عمومی اسلامی را رعایت کند نباید مزاحم این آزادی او شود. بنابراین هیچ کس مجاز نیست عقاید غلط و مطالب خلاف اخلاق را تبلیغ و ترویج نماید.» در اعلامیه حقوق بشر اسلامی ۱۹۸۹ تهران هم نوعی محدودیت در «بیان رأی» دیده می‌شود. ماده ۱۵ این اعلامیه می‌گوید: «هر انسانی در بیان رأی خود آزاد است به نحوی که با اصول شرعی، تعارض نداشته باشد.» در اینجا موضوع آزادی عقیده نباید منجر به ترویج عقاید خرافه و یا انحرافی گردد و از

۱. این کمیته ارگان ناظر بر حسن اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است



این طریق ذهن جامعه به سمت عقاید نادرست حرکت نماید. از آنجا که این امر با اخلاق حسنه و نظم عمومی در جامعه گره خورده در پاره‌ای موارد شامل اعمال زور از طریق تدوین قوانینی در این خصوص هستیم.

همچنین در ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز ضمن تاکید بر این حق انسانی مقرر می‌دارد «هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است هر کس می‌تواند از این حقوق به طور انفرادی یا جمعی به طور خصوصی یا به طور عمومی برخوردار باشد.» ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز با ادبیاتی مشابه این حق بشری را مورد توجه قرار داده و از دولتها می‌خواهد تا در قوانین خود شرایط تحقق و اجرای آن را تضمین نمایند.

۴- مبانی و چارچوب سیاست کیفری ایران پیرامون ارتداد

پس از بررسی مبانی و جایگاه حق آزادی عقیده به امر می‌پردازیم که موضع فقه اسلامی، حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی نسبت به فردی که مرتد می‌گردد چیست؟

۴-۱- مبانی فقهی ارتداد

اصولا همه مکاتب الهی بویژه اسلام نه تنها با آزادی عقیده موافق است بلکه برای رهایی بشر از قید و بندهایی که روح و جسم آدمی را در گرو خود گرفته پا به عرصه‌ی حیات اجتماعی بشر گذارده‌اند؛ اما در عین حال با خصوصیتی که ادیان دارند همیشه نوعی الزام، تقیید، باید و نباید را برای بشر توصیه می‌کنند، آزادی مطلق معنا ندارد. اسلام آزادی عقیده را پذیرفته و اصولا عقیده و ایمانی که از روی انتخاب، فکر و اندیشه نباشد بلکه ناشی از تأثیر محیط و یا تقلید از دیگران باشد را نمی‌پذیرد و همگان را در انتخاب دین دعوت نموده به هر حال در نظر اسلام، انسان از نظر تکلیف شخصی بین خود و پروردگار اولاً حق ندارد بدون دین، مسلک و مرام زندگی کند بلکه باید حیات فردی و اجتماعی خود را در چارچوب ادیان الهی قرار دهد. دوم به نظر می‌رسد مسأله ارتداد در بین گروهی



از اندیشمندان مسلمان چه شیعه و چه سنی دچار نوعی افراط و تفریط گردیده است. (هاشمی، ۱۳۹۶، ۵۱)

انکار اصل اسلام از سوی مسلمانان موجب کفر و ارتداد می‌گردد، چه بعد از ترک اسلام، دین دیگری هم چون مسیحیت یا یهودیت را برگزیند یا به طور کلی ادیان الهی را منکر شود و به مادیت یا بت پرستی روی آورد، چنان که بسیاری از مسلمانان صدر اسلام که مرتد می‌شدند از اسلام به طور کلی اعراض می‌کردند و به بت پرستی یا ادیان دیگر روی می‌آوردند.^۱ یکی از شبهاتی که برای مخالفت اسلام با آزادی مطرح می‌کنند حکم فقهی مرتدان است. آن‌ها می‌گویند: اگر اکراه در عقیده ممنوع است و پذیرش اسلام با آزادی و اختیار انجام می‌شود، ترک عقیده نیز باید آزاد باشد پس چرا در مباحث فقهی مرتد و کسی که از دین بر می‌گردد به احکام سختی چون قتل و زندان و مانند آن محکوم می‌شود. حکم ارتداد در میان فقها مورد اتفاق است، همه فقها می‌گویند: مرتد اگر فطری باشد مجازات او اعدام است و این حکم با آزادی بیان سازگاری ندارد علاوه بر آن، حکم ارتداد با حق حیات آدمی و کرامت او که از حقوق مسلم آن‌هاست نیز ناسازگار است. (پنج، ۱۳۹۰، ۷۷)

آزادی عقیده در اسلام، مبادی و مبانی و نیز حدی دارد و به طریق اولی، آزادی در بیان نیز دارای حد و مرز می‌باشد. همچنین اعدام مرتد با آزادی اندیشه و بیان منافات ندارد. (حسینی کارنامی، منبع پیشین، ۷۱) زیرا در نظام دینی شخص مرتد، تنها در صورتی که تبلیغ و توطئه علیه نظام اسلامی کند، با او برخورد می‌شود و حکم تعرض به وی، همانند حکم تعرض به جاسوس در حکومت‌های لیبرال جهان است. آیاتی که بر اصل آزادی عقیده تصریح دارند، همه آنها در مقام پذیرش اصل دین است، اما پس از پذیرش اسلام، حق برگشت همراه با ترویج و تبلیغ و توطئه از او سلب می‌شود.

۴-۲- رویکرد نظام کیفری ایران به ارتداد

رویکرد نظام حقوقی ایران به ارتداد قدری مبهم است با آنکه در برخی مواد قانونی به

۱. قرآن کریم در آیه ۲۱۷ سوره بقره درباره آنان می‌فرماید: «وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فِيمْتَّ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»: هر کس از شما از دین خود اسلام باز گردد و در حال کفر بمیرد آنان کردارهایشان در دنیا و آخرت تباه می‌شود و ایشان اهل آتش اند و در آن جاویدان خواهند بود.



موضوع ارتداد اشاره شده اما از جنبه کیفری به آن پرداخته نشده است. بطور مثال در ماده ۲۶ قانون مطبوعات آمده است: «هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود، حکم ارتداد در حق وی صادر خواهد شد و اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد». همچنین در ماده ۲۹ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران، مصوب سال ۱۳۷۵، نیز آمده است «محکومین به ارتداد، به حکم محاکم صالح قضایی» از داوطلب شدن برای عضویت در شوراها محروم شده‌اند. اما نه در قانون مطبوعات و نه در قانون مجازات اسلامی، مجازاتی برای ارتداد تعیین نشده است و در هیچ یک از قوانین فوق نیز ارتداد به عنوان جرم معرفی نگردیده است. (درودی، ۱۳۸۰، ۳)

در قانون مجازات اسلامی - که بسیاری از مواد قانونی آن در رابطه با حدود، قصاص و دیات از کتب فقهی مانند شرایع و تحریر الوسيله گرفته شده - ارتداد را به عنوان جرم معرفی نکرده اند (محقق داماد، ۱۳۸۰، ۱۰-۱۱) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۱ نیز، زمانی که برخی از فقهای شیعه در صدد تدوین مباحث حدود، قصاص و دیات برآمدند، اسمی از ارتداد نبردند، و حدود ۹ سال بعد قانون مجازات اسلامی، در سال ۱۳۷۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که با توجه به ایراد شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، آن را با اصطلاحاتی تصویب کرد، باز هم هیچگونه اشاره‌ای به ارتداد نشد. قانونگذار ایران در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز هنگامی که مصادیق حدود را برمی شمرد، اشاره‌ای به ارتداد نکرد. (محمدی و دیگران، ۱۳۹۷، ۳)

لذا می‌توان گفت قانون کشورمان درباره این جرم سکوت کرده و به تعریف و جرم‌انگاری آن توسط ماده صریحی اقدام نکرده دلیل این امر را مصالحی بیان داشته‌اند که قانونگذار به واسطه آنها از طرح این حد خودداری کرده از آنجایی که معتقدیم جرم ارتداد یک جرم فقهی است و در فقه برای آن شدیدترین مجازات‌ها را تعیین کرده‌اند، همچنین جامعه ما بر پایه اسلام و مقدسات مذهبی استوار است و نیز به مواردی برمی‌خوریم که به ارتداد محکوم و مجازات شده‌اند، ناگزیریم که بگوییم قاضی به استناد یکی از این مواد قانونی در



جرمانگاری ارتداد عمل می‌کند.^۱

جمهوری اسلامی ایران از جمله دولتهایی است که از نظارت کمیته حقوق بشر و فراتر از آن، شورای حقوق بشر در امان نمانده است. مطابق اصل دوازدهم قانون اساسی «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است». این اصل اگرچه مستقیماً ارتباطی با ارتداد ندارد، اما مطابق دیدگاه‌های انتقادی هر گونه بحث از آزادی عقیده و مذهب در ابتدا با اصل دوازدهم قانون اساسی تعارض پیدا می‌کند. موضوع حائز اهمیت آن است که ارتداد اگرچه در برخی قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران مورد اشاره قرار گرفته، لکن نه در آن قوانین و نه در قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری نشده است. این در حالی است که کمیته در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز در خصوص جرم‌انگاری ارتداد و عدم امکان تغییر دین اسلام ابراز نگرانی نموده و پیشنهاد می‌کند مقامات ایرانی قوانین و رویه خود را بر اساس ماده ۱۸ میثاق تنظیم نمایند. همچنین مجمع عمومی ملل متحد نیز در سندی با عنوان «وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۳۰۰۸ از وجود مقرراتی در قانون مجازات دال بر لزوم مجازات اعدام برای بزه ارتداد ابراز نگرانی می‌نماید.

در قطعنامه مجمع عمومی مصوب ۲۰۰۹ نیز در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران بر استمرار مجازات اعدام و محدودیتهای جدی در مورد آزادی عقیده و بیان و دین و مذهب بدون تصریح به ارتداد تأکید شده است. متعاقب تعیین گزارشگر ویژه برای ایران به موجب قطعنامه شورای حقوق بشر ۱۶ مصوب ۲۴ مارس ۲۰۱۱ از جمله مواردی که در نخستین گزارش گزارشگر به نامزد شدن بر می‌گردد آن است که افراد محکوم به ارتداد یا مجازاتهای شرعی از انتخابات محروم هستند. (عزیزی، ۱۳۹۳، ۱۰۳)

در مجموع ملاحظات نهادهای بین‌المللی در خصوص ایران، علیرغم آن صورت گرفته که

۱. بنابر استدلالهای موجود و پذیرش جرم ارتداد به عنوان یک جرم قانونی، عنصر قانونی این آن شامل اصل ۱۶۷ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸، ماده ۲۹ قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو مصوب ۱۳۶۸، ماده ۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳، ماده ۲۸۹ اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱، ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ماده ۲۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۴ اصلاحی ۱۳۷۹، ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ماده ۲۹ قانون شوراها (قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراها) اسلامی کشور و انتخابات شهرداران (مصوب ۱۳۷۵)، میتواند باشد.



به موجب قانون موضوعه هیچ مجازاتی برای فعل ارتداد در نظر گرفته نشده و صرفاً دو قانون پیش گفته به این نهاد حقوقی اسلامی اشاره داشته‌اند.

۵- ارتداد در اسناد بین‌المللی

در دهه‌های اخیر پذیرش گسترده حقوق بشر در اکثر نقاط جهان رخ داده است؛ سه چهارم کشورهای جهان معاهدات اصلی حقوق بشر را تصویب کرده‌اند. در جهان ما شاهد آن هستیم که رژیم‌های منطبق‌های نیز برای تداوم حقوق بشر تدوین شده است. مانند منشور آفریقایی حقوق بشر و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که از سال ۱۹۵۰ ایجاد شده و تضمینی برای آزاد پهای اساسی در اروپا است. (Background, 2007, 22)

در گفتمان نظری حقوق بشر ما با دو جهان بینی متفاوت روبه رو هستیم که هر یک منشاء رفتارهای خاصی هستند. نظریاتی که اثر آن را نه صرفاً بر جدالهای فلسفی بلکه بر فضای تدوین قواعد حقوق بشری می‌توان دید. این جهان بینی‌ها بیانگر جهانشمولی و نسبی‌گرایی حقوق بشر هستند.

بر این مبناء در بسیاری از اسناد حقوق بشری به موضوع حق آزادی بیان اشاره شده است. همچنین در برخی دیگر از اسناد بین‌المللی حقوق بشر، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ یا کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی مصوب ۱۹۵۰، آزادی مذهبی جنبه‌سومی هم دارد که آزادی تغییر مذهب است. این جنبه برآمده از دکتترین حقوق بشر غربی است که به موجب آن فرد حق دارد عقیده یا مذهبی را برگزیند و آن را تغییر نیز دهد. (رهایبی، ۱۳۸۹، ۲۰۴)

در خصوص ارتداد میان حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر بین‌المللی یک تقابل وجود دارد. رویارویی حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر بین‌المللی از حیث آزادی مذهب در سه ناحیه مورد بررسی قرار گرفته است. نخست آنکه اگرچه مسلمانان از بیشترین آزادیهای مذهبی برخوردارند، در مواردی آزادیهای مذهبی آنها محدود می‌شود: عدم آزادی تغییر دین و عدم آزادی ترک واجبات دینی یا انجام محرمات دینی؛ دوم آنکه در مورد اهل کتابی که قرارداد ذمه را پذیرفته باشند هم مواردی منافی با آزادی عقیده و مذهب در فقه اسلامی به چشم



میخورد: عدم جواز الزام فرزندانیشان به ادیان خود و منع از حضور در مجالس اسلام، عدم آزادی تبلیغ دین خود، عدم آزادی نقد اسلام، عدم آزادی انجام امور حرام در اسلام به طور علنی و عدم آزادی تغییر دین خود به دینی غیر از مسیحیت؛ سوم آن که در خصوص اهل کتابی که حاضر به قبول شرایط ذمه یهودیت و مجوسی نشده یا غیر اهل کتابی که حاضر به انعقاد معاهده با حکومت اسلامی نشده باشند (کافران حربی)، واجب است اسلام بر ایشان عرضه شود، اگر نپذیرفتند با ایشان جهاد می‌شود که تا پذیرش اسلام یا معاهده یا ذمه یا قتل یا اسارت ادامه خواهد یافت. از نگاه حقوق بشر بین‌المللی در این گونه حکومت‌های دینی آزادی بیان، آزادی قلم، آزادی عقیده و مذهب منتفی است. (هاشمی، ۱۳۸۲، ۱۲۴) چرا که حقوق بشر در اسلام صرفاً در رابطه با تعهدات بشری وجود دارد؛ کسانی که این تعهدات را نمی‌پذیرند حقی نداشته و هر گونه مطالبه آزادی این افراد از جامعه فاقد توجیه است.

علاوه بر ارزشهای جهانشمول و غیر قابل سلب حاکم بر جرم‌انگاری ارتداد که در حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر بین‌المللی مورد اختلاف است، نسبت به برخی واقعیت‌های اجتماعی در هر نظام حقوقی ملی و نقش این واقعیتها در حقوق انسانها نیز میان دو نظام مورد بحث اختلاف نظرهایی وجود دارد. دیدگاه غربی غالب در حقوق بشر بین‌المللی در پی آن است تا با ارائه تفسیر جهانشمول از حقوق بشر، نقش فرهنگها، قومیتها، ملیتها و اقتضائات هر جامعه را در تکوین حقوق انسانها انکار نموده و با نفی تفاوتها و تکررها به مثابه واقعیت‌های عینی اجتماعی، حقوق شهروندی را به حاشیه راند. حال آن که در نظام حقوقی اسلام علاوه بر اعتقاد به حقوق بشر جهانشمول، توجه به ویژگیهای جمعی زندگی انسان و حقوق شهروندی نیز جایگاه خود را دارد.

نسل نخست حقوق بشر متضمن مفهوم غربی آزادی دینی بوده و حق تغییر مذهب را جایز می‌شمرد؛ امری که در اسلام با جرم‌انگاری ارتداد منع می‌شود: جرم‌انگاری ارتداد که از صور اکراه برای حفظ دین و مذهب و ممنوعیت تغییر آن است در قوانین برخی دول اسلامی وجود دارد. به عنوان نمونه در قوانین عادی سودان خروج از اسلام ارتداد بوده و مجازات آن مرگ است. کمیته حقوق بشر نسبت به این مجازات در سودان حساسیتهایی نشان داده است. نمایندگان سودان در کمیته در توجیه این مجازات اظهار داشته‌اند که اسلام نباید صرفاً



به عنوان یک اعتقاد لحاظ شود، بلکه مجموعه‌ای است از یک سلسله احکام و قواعد برای تنظیم حیات اجتماعی و خصوصی انسانها. از این جهت ارتداد از نظر اسلام مخاطره‌ای برای کالبد اجتماع است و می‌تواند با جرم خیانت به کشور که در نظامهای حقوق داخلی مختلف جرمانگاری شده است، مقایسه گردد.

بر خلاف این دیدگاه سودان، اعضای کمیته حقوق بشر در بررسی گزارش این دولت بر این باور بودند که بر اساس بند ۲ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مجازات مرگ تنها در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است، فقط باید برای مهمترین جنایات و بر اساس قانون لازم الاجرا در زمان ارتکاب جرم صادر شوند و ارتداد از نوع خطیرترین جرایم نیست؛ لذا نباید دارای مجازات اعدام باشد. به علاوه از نگاه کمیته قانون سودان در خصوص ارتداد خالف ماده ۱۸ میثاق نیز هست. کمیته مسأله ارتداد را در رویه دولتهای دیگری نیز بررسی نموده است.

همچنین دولتها ممکن است بر معاهدات بین‌المللی حق شرط اعمال نمایند که در مورد کنوانسیونهای حقوق بشری این امر نباید تا جایی باشد که با اهداف معاهده در تضاد باشد. همچنین در پاره‌ای موارد به دولتهای عضو اجازه داده شده است که در موارد مقتضی برخی محدودیتها را بر حقوق و آزادی‌های مردم اعمال نمایند. بر این مبناء بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی آزادی بیان را به دلیل رعایت اخلاق عمومی محدود کرده و به دولتها اجازه داده در حدود مقررات قانونی خود برای پاسداری از اخلاق عمومی مردم، آزادی بیان را محدود کنند.

در کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی مصوب ۱۹۵۰ نیز از این حیث در کنار اعلامیه جهانی قرار گرفته و در ماده ۹ به آزادی تغییر مذهب تصریح می‌نماید. و وجود مجازات اعدام برای ارتداد آزادی بیان، عقیده و مذهب را به خفقان کشانده و مفهومی از نابرابری فکری و سیاسی را ایجاد می‌نماید. (نعیم، ۱۹۸۷، ۳۲۴) بعضا نیز در دکترین حقوق بشر بین‌المللی در قبال جرمانگاری ارتداد توصیه به بردباری شده است؛ به ویژه آن‌گاه که ملاحظات نسبی گرایی فرهنگی در ارزیابی موضوع لحاظ گردیده است.



۶- استرداد مجرمان ارتداد

استرداد مجرمان در عرصه بین‌المللی اصولاً مبتنی بر معاهدات میان دولتهاست که ممکن است دو جانبه، چند جانبه و فراگیر باشد. اصول کلی حاکم بر این قراردادها با یکدیگر چندان تفاوت ندارد و بطور کلی طرفین قرارداد به موجب عهدنامه ملزوم شده‌اند اشخاصی را که به ارتکاب یا شرکت یا معاونت جرمی در قلمرو کشور دیگر متهم شده و یا محکوم شده‌اند و در خاک طرف دیگر قرارداد هستند به یکدیگر مسترد نمایند. (دل افروز و لطفی، منبع پیشین، ۱۱۱)

در قانون ایران برای رسیدگی به تقاضای استرداد، از روش قضایی تبعیت شده است. (ماده ۱۳ قانون استرداد مجرمین) البته در خصوص استرداد مشکلات و تنش‌های زیادی برای کشورهای جهان سوم در بردارد، رهیافت سازمان ملل تنش کمتری ایجاد می‌کند. علت این امر هم روشن است، زیرا مخاطب سازمان ملل کشورهای مختلف جهان با فرهنگ‌ها، سنن و قواعد حقوقی گوناگون است و تقریب بین این فرهنگ‌ها مستلزم بیان قواعدی با کمترین تنش و تقابل است. سازمان ملل نیز در مقدمه معاهده خود، ارتباط معاهده استرداد با معاهدات حقوق بشر و دیگر اسناد قضایی را متذکر میشود و نیز یادآور شده که قوانین و معاهدات کنونی استرداد در کشورها با شرایط روز سازگاری ندارد. (ظاهر محمدی، ۱۳۹۰، ۱۲)

در خصوص استرداد مجرمان، چنانچه جرم صورت گرفته در دسته جرائم سیاسی باشد، معمولاً میان دولتها استرداد صورت نمی‌گیرد و در تعهدات دولتها پیرامون استرداد مجرمان نیز این امر مستثنی از تعهدات دولتها ذیل معاهده قرار می‌گیرد.

رویه‌ای که از دیرباز از سوی دولتها پذیرفته شده این است که استرداد در موضوع جرائم سیاسی نباید انجام گیرد، اما از طرفی تعریف پذیرفته شده جهانباز از جرم سیاسی وجود ندارد. در ایران قانون جرم سیاسی نیز عدم استرداد مجرم سیاسی را تأیید کرده ولی در خصوص نحوه و چگونگی اجرای آن سخنی به میان نیاورده است. (صادقی و دیگران، ۱۳۹۸، ۲۸۸) همچنین با وجود قانون جرم سیاسی به نظر می‌رسد موضوع ارتداد در آن جای ندارد. رویکرد دولتها دیگر نیز در خصوص استرداد مجرمان ارتداد بر مبنای معاهدات حقوق بشری و کنوانسیون حقوق پناهندگی ۱۹۵۱ و همچنین در خصوص کشورهای اروپایی



ضمن کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ماده ۳ کنوانسیون) محکومان به ارتداد مورد استرداد قرار نمی‌گیرند.

نتیجه‌گیری

در بازخوانی متون اسلامی اعم از آیات و روایات و متون چیزی که آزادی عقیده را مورد تهدید قرار داده یا محدود کند و یا انسان شکاک و مردد را مورد تحقیر یا تهدید قرار دهد قابل استنباط نیست. بلکه برعکس، دعوت به تعقل و تفکر و آزادی عقیده و بیان و استقبال از مباحث و تشکیکات علمی مشاهده می‌شود. آن چه در متون دینی بالأخص تشیع به عنوان مرتد و کافر مورد لعن و مجازات قرار گرفته، مرتد به عنوان کافر است که با روش‌های غیرعقلانی به ستیزه با عقیده و ایمان دیگران می‌پردازد و در واقع دشمن عقل و عقلانیت و سیره عقلاست. در نتیجه حکم ارتداد در متون دینی چیزی جز مقابله کردن با ستیزه‌جویان با عقلانیت و حمایت از آزادی عقیده نمی‌باشد. آزادی عقیده، مبتنی بر عقلانیت است و ارتداد بر ضد مسیر منطقی و عقلانیت و حکم ارتداد مستنبط از متون فقهی بر ضد جریان ارتداد و در دفاع از مسیر عقلانیت انسان‌ها جعل و وضع گردیده است. به علاوه جرمانگاری در شریعت اسلامی برای حمایت از مبانی اساسی است که حیات جامعه بر آن استوار است و حفظ این مبانی در کنار رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و توجه به عدالت، قسط، برابری و آزادی مورد توجه است. با توجه به اینکه در اسناد بین‌المللی خصوصاً معاهدات حقوق بشری، حق آزادی عقیده دینی و تغییر آن مورد حمایت قرار گرفته می‌توان گفت که در این خصوص میان حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بشر اسلامی یک رویارویی وجود دارد که این امر ناشی از تفاوت رهیافت آنها به حقوق بشر بر مبنای جهانشمولی و نسبی‌گرایی می‌باشد. همچنین با توجه به اینکه ارتداد در اسناد بین‌المللی خصوصاً کنوانسیون پناهندگی ۱۹۵۱ و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در دسته جرائم سیاسی تعریف می‌گردد که استثنایی بر استرداد مجرمان می‌باشد، لذا امکان استرداد محکومان به ارتداد وجود ندارد. پیرامون رویکرد سیاست کیفری ایران به موضوع ارتداد باید گفت که در سیاست کیفری ایران، امکان محکومیت به شدیدترین کیفر به اتهام ارتداد وجود دارد اما مصداقی برای ماده ۲۲۰ قانون مجازات در منابع فقهی



وجود ندارد و حتی مصادیقی هم که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیان شده است، خود در حدی بودنشان جای بحث و تردید دارند. وانگهی پرواضح است که جرائم منصوص حدی یا در آیات به نوع جرم و قدر مجازات تصریح شده، یا در روایات به حدی بودن آن اشاره شده است و در مواردی از جمله جرائم یادشده که مجازات مقدر هستند، اما به حدی بودن آنها تصریح نشده است و در آیات نیز صرفاً مجازات اخروی برای برخی از جرائم از جمله ارتداد در نظر گرفته شده است، بنابراین، نمی‌تواند مشمول عنوان حد قرار گیرد. با وجود این، مصداقی که مشمول ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی باشد، وجود ندارد مگر آن که محاکم بر استظهار خود و نظر مشهور فقها نظر داشته باشند و این موارد را همچنان مشمول عنوان حد بدانند و از طرف دیگر این که ماده یادشده مفهوم ندارد. به عبارت دیگر، ماده ۲۲۰ قانون یادشده در مقام منع محاکم در رجوع به فقه در جرایم تعزیری نیست و همچنان محاکم می‌توانند به استناد ماده ۱۶۷ قانون اساسی در جرائم تعزیری به فقه مراجعه کنند. به نظر می‌رسد اصلاح فرایند قانونگذاری از منظر گفتمان مورد پیروی در جرم‌انگاری‌های شرعی، و تقویت اهتمام قانونگذار به الزامات حقوق بشر بین‌المللی در چارچوب پتانسیل حل معضلات نظام در مجمع تشخیص مصلحت نظام، و اصلاح ذهنیت متصلّب و کمتر عقلانی اغلب قضات کیفری، از مهم‌ترین تدابیر پیشنهادی برای کاهش بحران اعدام مرتدان در نظام قضایی ایران است.



منابع

- ابن فارس، ابن زکریا (۱۴۰۴) معجم المقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، جلد ۲، قم، مکتب العالم الاسلامی.
- ابن قدامه، احمد بن محمد (بی تا) تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران، دفتر خدمات، چاپ اول
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۹) جلد ۵، لسان العرب، بیروت، دار الحیاء التراث العربی.
- الجندی، خلیل بن اسحاق (۱۴۱۶) مختصر خلیل، اول، بیروت، دارالکتب العلمیه
- الرافی القزوینی، العزیز (۱۴۱۷) شرح الوجیز المعروف با شرح الکبیر، بیروت، دارالکتب العلمیه
- اصفهانی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶)، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، جلد ۱۰، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم
- جواد، علی (۱۹۷۸)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، جلد ۵، مکتبه النهضه و دارالعلم للملایین، بغداد و بیروت، بی چا
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، جلد ۲، بیروت، دارالملایین
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۱۰۴) تحریر الوسیله، جلد ۲، الطبعة الثانی، نجف، مطبعة آآداب
- محقق حلّی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر، شرائع السالم فی مسائل الحلال و الحرام، تهران، منشورات اعلمی
- عمید، حسن (۱۳۶۲) فرهنگ عمید، جلد اول، چاپ سوم، تهران، امیر کبیر
- عباسی، محمود (۱۳۷۳) استرداد مجرمین، تهران، کتابخانه گنج دانش
- دل افروز مصطفی، لطفی فروزان (۱۳۹۷) استرداد مجرمین در نظامهای حقوقی ایران و کانادا و حقوق بین الملل، قانون یار، دوره ۲، شماره ۸
- هاشمی، کامران (۱۳۹۶) محدودیت‌های آزادی دین و بیان در خصوص ارتداد بر اساس فقه سنتی مسلمانان و حقوق بشر بین-المللی، دوفصلنامه حقوق بشر، دوره ۱۲ (۲)



- سودمندی، عبدالمجید، شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۱) گستره حق آزادی دین و عقیده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۶ (۴)
- مهرپور، حسین (۱۳۷۰) دیدگاه اسلام در مورد آزادی عقیده و بیان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۲۷
- توسلی نایینی، منوچهر و تقوی نیا، شقایق، ۱۳۹۵، رویکرد حقوق بشری دین اسلام در حمایت از حق آزادی بیان، عقیده و مذهب با نگاهی به اسناد بین‌المللی، اولین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی
- حسینی کارنامی، سید حسین (۱۳۹۳) آزادی عقیده و آزادی بیان با تکیه بر واکاوی تفسیری آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»، پژوهش نامه معارف قرآنی، ۱۹ (۵)
- ایروانی، جواد (۱۳۹۶)، آزادی یا اجبار عقیده در موازنه میان «لا اکراه فی الدین» با ایات قتال، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۴ (۲)
- پنجه، علی و همکاران (۱۳۹۰)، بررسی موردی اسلام‌پذیری و ارتداد قبطیان، تاریخ و فرهنگ، شماره ۸۶
- الواری غلام، صابری حسین (۱۳۸۷) پژوهشی فقهی جزایی در تجسس و تفتیش عقاید، مقالات و بررسیها، ۴۱
- طاهری، سیده زهرا و همه زاده، زهرا، ۱۳۹۵، تفتیش عقاید، اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی
- محمدی، صفدر و دیگران (۱۳۹۷) بررسی جرم‌انگاری ارتداد در حقوق ایران و بین‌الملل، پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی ایران، دانشگاه تهران
- درودی، سعید (۱۳۸۰) ارتداد در نظام حقوقی ایران، بازتاب اندیشه، شماره ۲۳
- رهایی، سعید، (۱۳۸۹)، دکترین حاشیه تفسیر و محدودیت‌های حق بر ابراز دین با تأکید بر وضعیت مسلمانان در اروپا، فصلنامه نامه مفید، شماره ۷۹
- هاشمی، سید حسین (۱۳۸۲)، نقد آرای کدیور درباره ادله شرعی ارتداد، رواق اندیشه، شماره ۲۲
- عزیزی، ستار، (۱۳۹۳)، حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، چاپ دوم، انتشارات



- صادقی، محمدهادی و دیگران (۱۳۹۸) قاعده منع استرداد مجرمان سیاسی در پرتو اجرای قانون جرم سیاسی، مطالعات حقوقی، ۱۱(۴)
- Faraz Alam, Sagar , Pragati ,Sharma(2019) Extradition Law: Fundamentals And Processes, Cyril Amarchand Mangaldas, 1(6)
- Andreopoulos, George J. (2018) Extradition law, College of Criminal Justice, New York available: <https://www.britannica.com/topic/extradition>
- Hung Chao Tai,(1985) Human Rights in Taiwan: Convergence of Two Political Cultures?, Melbourne Journal of International Law, 11(1)